

در معرفی حزب کمونیست کارگری

اصغر کریمی

مندرج در انترناسیونال ۹۲۷

از پادکست اندیشه و سیاست

اصغر کریمی هستم و ضمن سلام به شما قصد دارم در این برنامه مختصری در مورد حزب کمونیست کارگری توضیح بدهم که شناخت بیشتری از این حزب بدست آورید. کلا حزب کمونیست کارگری حزب شناخته شده ای است. به جرات میتوان گفت فعال ترین حزب سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی است که در زمینه های مختلفی مشغول فعالیت است. سی سال قبل تشکیل شده، چهره های شناخته شده ای دارد، تلویزیون ۲۴ ساعته دارد، کارزارها و کمپین های وسیعی سازمان داده و به این دلیل بسیاری از شما که این برنامه را گوش میدید کم و بیش با آن آشنایی دارید.

اگر بخواهم در یک جمله توضیح بدهم هدف حزب کمونیست کارگری ایجاد یک جامعه آزاد، مرفه، انسانی، آزاد، مدرن و سکولار در جامعه است و روشن است که مانع اصلی چنین جامعه ای جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی مانع اصلی خوشبختی مردم است اینرا همه میدانند. و اولین ویژگی جامعه ایران این است که بسیار سیاسی است و اکثریت عظیم مردم خواهان سرنگونی این حکومتند. و بارها مردم خیزش کرده اند،

اعتراض کرده اند، به خیابان آمده اند و اعتصاباتي که میکنند هدفشان این است که سر به تن این حکومت نباشد. ۴۲ سال این جهنم را که جمهوری اسلامی بنا کرده تجربه کرده اند. دیده اند هر دولتی آمده، هر شخصیتی و هر جناحی آمده اوضاع مردم بدتر و بدتر شده و سالهای طولانی است که مردم به این نتیجه رسیده اند که این حکومت وصله ناجوری بر پیکر جامعه ایران است و باید گورش را گم کند. و اتفاقاً یک نقطه مثبت حزب کمونیست کارگری کارنامه درخشانی است که در مقابل جمهوری اسلامی دارد. در طول سی سال فعالیت حتی یک بار حزب با حکومت یا جناحی از آن سازش نکرده. خاتمی آمد گفتیم نه، احمدی نژاد آمد گفتیم نه، رفسنجانی قبلترش آمد گفتیم نه، روحانی آمد گفتیم نه و هر کس دیگر هم بیاید میگوییم نه. با هیچ شخصیت این حکومت سازش نکرده، با هیچ قانونش سازش نکرده، با مذهب و ایدئولوژی حاکمش سازش نکرده و مبارزه قاطع و پیگیری را علیه جمهوری اسلامی به پیش برده است. هم در خارج هم داخل ایران. در خارج حتماً خیلی از شما شنیده اید که کنفرانس برلین که ۲۱ سال قبل تشکیل شد حزب کمونیست کارگری

نیروی اصلی بود که این کنفرانس را روی سرشان خراب کرد و اجازه نداد مقامات جمهوری اسلامی در داخل جنایت بکنند، سرکوب بکنند، فقر و بدبختی را به مردم تحمیل کنند، به زور حجاب به سر زنان بکنند و مردم را شکنجه بکنند اما بیایند خارج ادای اینرا درآورند که نماینده مردم ایران هستیم، اوضاع دارد عوض میشود و از این پزها بدهند. بعد از کنفرانس برلین جمهوری اسلامی نتوانست هیچ کنفرانسی در خارج تشکیل بدهد. هیچ مقام جمهوری اسلامی نتوانست در خارج سخنرانی بکند مگر در اتاق های دربسته با مقامات یک کشور ملاقاتی کرده باشند تازه همانجا هم مقابل آن سالن ها حزب کمونیست کارگری فعالترین نیرویی بوده که تظاهرات سازمان داده و مقاماتی مثل آیت الله شاهرودی و قاضی منصوری هم که به خارج آمده اند همینکه حزب مطلع شده کاری به سرشان آورده که از پشت در بیمارستان یا از جایی فرار کنند و به ایران برگردند. نه تنها این بله با تمام قوانین جمهوری اسلامی، قانون کارش، قانون قصاصش، قانون اساسی اش، قوانین مربوط به تعزیرات و غیره با تمام اینها حزب درافتاده، کارزارهای وسیعی علیه اینها گذاشته، افشاگری کرده،

تلاش کرده افکار عمومی جهانی را از فجایع جمهوری اسلامی و اینکه مردم با چه حکومتی طرف اند آشنا کند. با فرهنگ ضد انسانی اش مبارزه کرده، با خرافاتش، با سیاست هایش علیه زنان، با حجاب اجباری اش، با رفتار بیشرمانه و جنایتکارانه اش با کودک، با محیط زیست، علیه اعدام و سنگسار و سرکوب، برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه ظلمی که به معتقدین به مذاهبی مانند بهائیت میشود، علیه ظلمی که به همجنسگراها و رنگین کمانی ها میشود، علیه سیاست های تروریستی اش در منطقه، یعنی هیچ وجهی از حکومت نبوده که حزب در مقابلش نایستاده باشد، افشا نکرده باشد و آنجا که عملی بوده راه حلی ارائه نداده باشد.

اما اولین سوال این است که ایجاد چنین جامعه انسانی که در ابتدا اشاره کردم ممکن است؟ یعنی جامعه ای که انسان در آن حرمت داشته باشد؟ برای اینکه انسان حرمت داشته باشد نابرابری نباید باشد، تبعیض نباید باشد، فقر و ستم و سرکوب نباید نباشد، و همه باید در رفاه باشند. همه بدون استثنا. همه از امکانات برابر

در زمینه های اقتصادی و سیاسی برخوردار باشند. و در عین حال مردم در تصمیم گیری ها شرکت داشته باشند. نه اینکه اکثریت مردم زحمت بکشند، چهارتا مدیر و مقام حکومتی هر تصمیمی خواستند در کارخانه و دانشگاه و در سطح جامعه بگیرند. بنابراین ما نه تنها خواهان رفتن جمهوری اسلامی هستیم بلکه کل نظامی که سرمنشاء همه بدبختی ها است باید زیر و رو شود.

از نظر ما ایجاد چنین جامعه ای کاملاً عملی است. ولی عده ای میگویند نمیشود و عملی نیست. بعضا میگویند آرزوهای خوبی است اما هیچوقت نشده و هیچوقت هم نمیشود. برده دارها هم همین را می گفتند، می گفتند اعتراض فایده ندارد، از ازل تا ابد همینطور بوده، قضا و قدر است باید ساخت. آخرت را هم به مردم بیچاره یعنی برده ها وعده داده اند. فئودالها یا اربابان هم همین را به مردم میگفتند. در اروپا کشیش ها و کلیساها و در کشورهای مثل ایران آخوندها و آیت الله ها و یا خاخام ها و غیره که خود زمیندار بزرگ بودند، کارشان تحمیق مردم بود که بگویند نمیشود تا مردم را ساکت کنند و

حکومت‌ها سر پا بمانند. نقش این مراجع مذهبی این بود که موعظه کنند که توی سر و کله خودتان بزنید، عزاداری کنید، دعا کنید. اعتراض و مبارزه و متشکل شدن لازم نیست. ولی دیدیم که نظام فئودالی عوض شد برده داری هم عوض شد، سرمایه داری هم باید عوض بشود. یک کار ما این است که بگوییم میشود و راه تغییر را به مردم نشان بدهیم. الان چه کسانی میگویند نمیشود؟ سرمایه داران، صاحبان کارخانه‌ها و بانکها و مقامات حکومتی و آخوندها و فرماندهان سپاه و وزارت اطلاعات و غیره شغلشان این است که به مردم بگویند همه جا همینطور است و اعتراض فایده ندارد و با همین وضع باید بسازید. یک کار ما این است که در مقابل همه این خرافاتی که اینها در جامعه پخش میکنند بگوییم نه، به مردم بگوییم که به خرافات طبقه مفتخور جامعه گوش ندهید آنها حافظ این نظام اند و از قبل آن سود میبرند و میلیارد در شده اند. آنها این حرف‌ها را سالیان سال در مساجد و رسانه‌هایشان میگویند و تکرار میکنند و در نتیجه برخی از خود کارگران و مردم زحمتکش هم این عقاید را میپذیرند و محافظه کار میشوند. اما سر منشاء این افکار و عقاید خرافی و

دروغ خود آن قشر مفت خور حاکمند که در حفظ این نظام منفعت دارند.

ولی با این حال ایجاد یک جامعه انسانی، یک جامعه آزاد و برابر از دوران برده داری تا در دوره فئودالی و الان در جامعه سرمایه داری یک آرزوی همیشگی مردم بوده است و مردم هر جا توانسته اند علیه وضع موجود و برای ایجاد دنیایی بهتر اعتراض کرده اند، گاهی شکست خورده اند و گاهی موفقیت هایی داشته اند، اما شرایط از نظر توانایی تولید و غیره طوری نبود که بشر بتواند جامعه ای سوسیالیستی ایجاد کند ولی نکته مهم این است که الان شرایط برای ایجاد یک جامعه برابر و انسانی فراهم شده است. تکنولوژی چنان پیشرفتی کرده که اگر مناسباتی انسانی بر جامعه حاکم باشد میتوان همه نیازهای همه بشر را تامین کرد. همه میتوانند صاحب مسکن مناسب بشوند نه یک آلونک و اتاق اجاره ای. همه میتوانند تغذیه خوب داشته باشند، رفاه داشته باشند، درمان خوب و با استاندارد بالا داشته باشند، آموزش رایگان داشته باشند، تفریح و سفر داشته باشند،

آینده ای داشته باشند، بازنشستگی درستی داشته باشند و این سرمایه داری جلو ایجاد چنین نظامی را با چنگ و دندان گرفته است. جمهوری اسلامی هم با هزار جنایت و سرکوب خودش را سرپا نگهداشته تا جلو چنین تغییراتی را بگیرد. حزبی مثل حزب ما و هر کس این عقاید را داشته باشد که میتواند و باید جامعه دیگری ساخت ممنوعه است چون این حرف ها در جامعه خیلی زمینه دارد. مردم از این حرف ها استقبال میکنند اگر استقبال نمیکردند این همه سرکوب و ممنوعیت ضرورتی نداشت. یک مشت مفت خور بی خاصیت یک مشت انگل انواع نیروی سرکوب، انواع قانون، سیستم قضایی و زندان و غیره سازمان داده اند که جلو شورش مردم برای ایجاد جامعه مطلوب را بگیرند. ولی اکثریت مردم، همان ها که همه چیز را تولید میکنند، همانها که بیمارستان ها را درست میکنند، مدرسه و دانشگاه میسازند، ماشین ها و کارخانه ها را درست میکنند، مواد غذایی و پوشاک تولید میکنند و همه نیازهای جامعه را تولید میکنند، از این نظام و این مناسبات راضی نیستند و میخواهند این وضع تغییرات بنیادی بکنند، میخواهند تیشه به ریشه این وضع بزنند و یکبار برای

همیشه نجات پیدا کنند. اکثریت عظیم مردم کارکن و زحمتکش خوشبختی هموعانشان را میخواهند، رفاه را برای همه میخواهند، برای همه دلسوزی میکنند و برخلاف آن قشر مفتخور که فقط برای خودش حرص میزند اکثریت مردم نوعدوست هستند، خواهان برابری و رفاه و خوشبختی برای همه هستند، برای همه عدالت میخواهند. از نظر ما این اکثریت نوعدوست کمونیستند.

کمونیسم ساده، زمینی و مربوط به زندگی مردم

کمونیسم چیز پیچیده ای نیست. کمونیسم مربوط ترین مسئله به زندگی روزمره مردم است. کسی که رفاه میخواهد، عدالت میخواهد درمان خوب و تحصیل رایگان را حق همه میداند، خوشبختی را برای همه میخواهد این یعنی کمونیسم. خیلی از مردم نمیدانند که کمونیستند ولی بطور واقعی کمونیست هستند. کمونیسم به همین سادگی است. خواهان یک زندگی انسانی بودن و مبارزه کردن برای آن یعنی کمونیست بودن. ولی لایه ای از قومپرستی، مردسالاری، مذهب

و خرافه مثل گرد و خاک و غباری روی درون عدالت طلبی و کمونیسم انسانها را گرفته است، گرد و غباری که طبقه حاکم با تبلیغاتش و سرکوب و ارباب اش روی سوسیالیسم درون بخش زیادی از مردم کشیده است و اولین کار ما این است که این گرد و غبارها را بزداییم و کمونیسم درون انسان ها را آزاد کنیم. خرافات را کنار بزنیم و انسانیت مردم را آزاد کنیم.

موقعیت کمونیسم در جامعه

اما موقعیت کمونیسم در ایران به عنوان یک جنبش سیاسی چیست؟ کمونیسم در ایران یک موقعیت بسیار اجتماعی و قدرتمندی دارد. امروز کمونیسم در ایران یک جنبش عظیم اجتماعی است و بسیار فعال است. فعال ترین جنبش سیاسی در ایران امروز جنبش کمونیستی است. صدها و صدها جمع و شبکه دارد که الان نمیتوانند خود را علنی کنند اما دارند کار خودشان را میکنند. کارخانه ای نیست که تعدادی فعال کمونیست در آن نباشد و معمولا اینها نقش فعال و

رهبری دارند رهبر اعتصاب میشوند جلو تفرقه و توطئه ها را میگیرند، چشم همکاران خود را باز میکنند، تلاش میکنند کارگران را متحد کنند، سیاست های حکومت و کارفرماها را خنثی کنند و همین امروز نقش مهمی دارند بازی میکنند. در دانشگاه ها و مدارس و ادارات هم همینطور است. در هر شهر و محله و روستانی که نگاه کنید تعدادی کمونیست هستند که دائم از عدالت و برابری دارند حرف میزنند و مردم را تشویق به مقابله با بی عدالتی و سرکوب میکنند. اینها همه کمونیست اند که یا متشکل شده اند یا به هر رو به اشکال مختلف مشغول فعالیت های موثری در جهت آگاه کردن مردم هستند و تاثیرات زیادی در جامعه میگذارند. بسیاری از معلمان و بازنشستگان کمونیستند، اکثر قریب به اتفاق فعالین تشکل ها که قطعنامه ها و بیانیه های رادیکال تهیه میکنند و علیه استثمار و نابرابری و تبعیض و بی حقوقی حرف میزنند، یا علیه دستمزدهای پایین و علیه اعدام و زندان و علیه بی حقوقی زن علیه بی حقوقی کودک حرف میزنند. اینها افکار و عقاید سرمایه داران و سرمایه داری نیست، حرف ناسیونالیست ها نیست، مال جنبش اسلامی نیست، مال قومپرستان نیست اینها حرف های

کمونیست‌ها است که همه مردم هر روز از زبان کسانی در اطراف خودشان می‌شنوند. بعلاوه این کمونیسم یک حزب بسیار شناخته شده دارد با سابقه‌ای بسیار درخشان و خوشنام، با برنامه‌ای روشن که خواست‌های مردم در زمینه‌های مختلف را توضیح داده، هدف روشنی دارد، دهها چهره خوشنام و شناخته شده دارد، نهادهای متعددی را در دفاع از حقوق پناهنده تا دفاع از حقوق زن و کودک یا نهادهایی علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی یا علیه اسلام سیاسی یا برای همبستگی میان کارگر مهاجر افغانی و ایرانی، نهادهایی در دفاع از حقوق کارگر و برای شناساندن جنبش کارگری یا سایر جنبش‌های حق طلبانه به افکار عمومی مردم جهان را سازمان داده و کارزارهای زیادی را هر هفته دارد سازمان می‌دهد و تاثیرات سیاسی زیادی در جامعه ایجاد میکند. امید و خوشبینی را به میان مردم می‌برد، متشکل میکند، آگاه میکند و به حرکت درمی‌آورد. در جنبش کارگری تاثیرات زیادی گذاشته، در دانشگاهها تاثیر گذاشته، فرهنگ بخشی از مردم در برخورد به کودک را عوض کرده، چشم خیلی از مردم را نسبت به مذهب و خرافات مذهبی باز کرده، نقش قابل توجهی

در تضعیف اعتقادات ناسیونالیستی و مذهبی داشته و همینطور که گفتم فعال ترین حزب سیاسی کشور است با ساختاری روشن، سابقه ای روشن و تجاربی بسیار غنی. حزبی که در عین حال یک تلویزیون ۲۴ ساعته دارد و همین عقاید را در جامعه دارد دامن می زند و میلیونها بیننده این تلویزیون با این عقاید آشنا شده اند، برای این حزب احترام قائلند، به آن اعتماد دارند و به نوعی خودشان را با این حزب هم عقیده میدانند. ممکن است هنوز عضو حزب نباشند و خیلی آشکار برای آن تبلیغ نکنند اما می گویند کاش این حزب سرکار بیاید.

یک نکته مهم در جامعه ایران این است که باورهای مذهبی بشدت در میان مردم ضعیف شده است علیرغم اینکه یک حکومت مذهبی سر کار است که ۴۲ سال است خرافه پخش میکند و سالانه میلیاردها دلار صرف دم و دستگاه مذهب و مساجد و امامزاده ها و آخوند و نماز جمعه و غیره میکند امروز بسیاری از مردم هیچ مذهبی ندارند و بخشی هم که خودشان را مسلمان

یا به هر رو مذهبی می دانند اکثرشان که دستشان در جیب مفتخوران حکومت نیست این نظام و حکومت مذهبی را نمیخواهند و میگویند مذهب باید یک عقیده شخصی باشد و حکومت نباید در عقاید مردم دخالت کند و در این عقیده ما شریک هستیم. ما اینها را از خودمان میدانیم. ممکن است خودشان را مسلمان یا مسیحی یا بهایی بدانند ولی آنکه کارگر و زحمتکش است خودش را باید متعلق به این حزب بداند و ما هم او را متعلق به خودمان میدانیم. اینطور نیست که چون مسلمان است دشمن ما است یا ما دشمن او هستیم. تمام آنها که خواهان عدالت و برابری هستند و بخشا هم اعتقادات مذهبی دارند بخشی از ما هستند، متعلق به جنبش ما هستند.

طبقه کارگر و جنبش کارگری

یک نقطه قوت دیگر در جامعه ایران این است که جنبش کارگری هم بسیار قوی است و هم بسیار چپ است و هدفش نوع دیگری از سرمایه داری و استثمار نیست.

کارگران مبارزه میکنند که نهایتاً به عدالت و برابری برسند میخواهند جامعه سرمایه داری نباشد، اقلیت مفتخور صاحب همه امکانات تولید نباشند که اکثریت را استثمار کنند و به خاک سیاه بنشانند. این جنبش امروز مهمترین و قدرتمندترین جنبش اجتماعی در ایران است. سالانه چندین هزار اعتصاب صورت میگیرد، شاهد تجمعات معلمان و بازنشستگان و پرستاران هستیم. بخش زیادی از دانشجویان معترض متعلق به کارگران و اقشار محروم جامعه اند. میلیون ها جوان که به بیکاری و فقر اعتراض دارند بخشی از همین جنبش هستند. و همینطور که در بیانیه ها و قطعنامه های شکل های کارگری میبینیم و یا در سخنرانی فعالین آنها شاهد هستیم، پرچم رهایی همه مردم را در دست گرفته اند. علیه اعدام، علیه ستم به زنان، علیه بی حقوقی کودک، برای آزادی عقیده و بیان و اعتراض. شعارهایی که در خیابان علیه اختلاس گران و دزدان حاکم میدهند یا علیه حقوق های نجومی و همه اینها را که نگاه میکنیم علیه نابرابری و بی عدالتی است و مضمونی کاملاً سوسیالیستی دارد. همینطور همبستگی عمیقی میان بخش های مختلف مردم وجود

دارد که دقیقا به خاطر این است که عقاید کمونیستی و سوسیالیستی در تار و پود جامعه ریشه دوانده است. اینها مختصات جامعه امروز ایران است. بهر حال اینها از نقاط قوت جنبش کمونیسم کارگری در ایران است و در واقع قدرت اجتماعی کمونیسم و در عین حال عملی بودن یک جامعه کمونیستی را نشان میدهد. اینقدر این جنبش قوی شده که شاخص ترین چهره های اپوزیسیون بورژوایی هم دارند اذغان میکنند که با سرنگونی جمهوری اسلامی سوسیالیست ها سر کار می آیند.

چند مشخصه حزب کمونیست کارگری

ما معتقدیم سوسیالیسم همین امروز عملی است. نیرویش هست، برنامه اش هست، حزبش هست، اکثریت مردم آنرا میخواهند و موقعی که انقلاب شروع میشود مردم صدمبار سریعتر شروع به متشکل شدن میکنند، صد بار بیشتر تحزب پیدا میکنند، کمونیست ها راحت میتوانند روی چهارپایه بروند و عقایدشان را تبلیغ کنند،

نشریاتشان را منتشر کنند و دفاترشان را باز کنند و اگر در شرایط دشوار فعلی کمونیسم همانطور که توضیح دادم موقعیت اجتماعی قدرتمندی در جامعه ایجاد کرده، در آن شرایط میتوان تصور کرد با چه سرعتی رشد میکند و چقدر مردم به آن میپیوندند و هیچ شخص و گروه و حزبی توان مقابله با آنرا نخواهد داشت. کدام جریان میتواند علیه خواست درمان رایگان یا تحصیل رایگان یا عدالت و برابری بگوید اینها به درد نمیخورد؟

یک مشخصه دیگر ما حکومت شورایی است. بی حقوقی مردم فقط این نیست که سرکوب میشوند، به زندان می افتند حق اعتراض و تجمع و تشکل یا آزادی بیان و عقیده ندارند، مردم قدرت تصمیم گیری هم مطلقا ندارند. نه در دانشگاه اکثریت دانشجو و استادان تصمیم گیرنده هستند نه در مدرسه معلمان یا دانش آموزان در تصمیم گیری شرکت دارند نه در کارخانه نه بیمارستان و نه هیچ جای دیگر. الان یک قشر مفت خوری به اسم مدیران ارشد و پیمانکار و کارفرما با حقوق کلان یا استثمار شدید کارگران تصمیم میگیرند و کارگر و معلم

و دانشجو و پرستار باید آنرا اجرا کند. و ما خواهان حکومتی هستیم با سیستم شورایی که مردم خودشان در تصمیم گیری ها شرکت دارند و اینطور مردم حرمت و احترام پیدا میکنند.

یک مشخصه دیگر ما اعتقاد به آزادی بی قید و شرط، تاکید میکنم بی قید و شرط بیان و عقیده و نقد مذهب و بی مذهبی، آزادی پوشش، آزادی اعتصاب و تجمع و تشکل و تحزب است و این خواست ها را با تلاش دهها ساله به عقیده بسیاری از مردم تبدیل کرده ایم.

ما همینطور در مورد اعتیاد و تن فروشی که از بلایای مهم این جامعه است و میلیون ها نفر به دلیل شرایط حاکم به آن دچار شده اند برنامه خیلی روشن و بسیار انسانی و بسیار شجاعانه برای نجات آنها داریم که امیدوارم در برنامه دیگری بتوانیم برنامه حزب، یک دنیای بهتر، را بیشتر معرفی کنیم.

حزب ما نماینده همه جامعه است. نماینده فقط کارگران نیست. یک حزب کارگری است اما پرچم رهایی کل جامعه را در دست دارد. ما می‌خواهیم ریشه نابرابری‌ها، ریشه فقر محرومیت، ریشه تن‌فروشی و اعتیاد، ریشه بی‌حقوقی کودک، بی‌حقوقی زن، ریشه سرکوب و خفقان را بخشکانیم. همه این بدبختی‌ها ریشه در نظام سرمایه‌داری دارد. نظام سرمایه‌داری احتیاج دارد مذهب را رواج بدهد، احتیاج دارد زن را بی‌حقوق کند و میان زن و مرد تفرقه بیندازد، احتیاج دارد سرکوب کند، احتیاج دارد جلو آزادی بیان و عقیده یا آزادی تشکل و حزب را بگیرد و ما که مخالف بنیادهای این نظام هستیم عملاً مخالف همه ظلم‌هایی هستیم که به بخش‌های مختلف جامعه روا داشته می‌شود. بنابراین هر زنی که آزادی می‌خواهد، هر کارگری که آزادی می‌خواهد، هر دانشجویی که رفاه می‌خواهد، هر معلمی که رفاه می‌خواهد، هر بازنشسته‌ای که یک زندگی انسانی می‌خواهد، هر معتقد به بهائیت و سایر ادیان که آزادی می‌خواهد، باید خودش را در این حزب ببیند. این حزب همه آنها را به عمیق‌ترین وجهی نمایندگی میکند چون

دشمن ریشه ای مشکلات و بیحقوقی آنها است.

در عین حال یک مشخصه ما این است که با انقلاب میتوان این وضع را عوض کرد. ما دهها سال است اینرا می گوئیم اما الان جامعه هم به همین نتیجه رسیده است. دی ۹۶ اینرا نشان داد، آبان ۹۸ اینرا نشان داد. مردم در این خیزش ها نشان دادند که راهی جز انقلاب برای زیر و رو کردن این اوضاع نیست. راه حل هایی مانند رفراندم و نافرمانی مدنی و دخالت نظامی و رژیم چنج و کودتا پوچ است. بخش هایی از اپوزیسیون اینها را مقابل مردم می گذاشتند و مخالف انقلاب بودند اما عملا همه این طرح ها تماما شکست خورد و پوچ شد و به هوا رفت. مردم با پای خودشان نشان دادند که تنها راه انقلاب است. تنها راه در هم شکستن ارگان های سرکوب و بدست گرفتن قدرت توسط خود مردم و شوراهایشان انقلاب است. با سرنگونی جمهوری اسلامی کلیه نیروهای سرکوب باید در هم شکسته شود و منحل شود. اینها تمام عمر در صد سال گذشته نقششان سرکوب مردم بوده، سرکوب کارگر معترض

بوده، سرکوب برابری طلبان و آزادیخواهان و کمونیست ها بوده. اینها سرمایه داران را که قرار نیست سرکوب کنند، اینها نیروی سرکوبی هستند که طبقه سرمایه دار برای حفظ نظام و منافع خودش علیه مردم معترض سازمان داده است.

انقلاب اجتماعی

باید انقلاب کرد و قدرت را از دست طبقه حاکم درآورد و ارگان های سرکوبش را در هم شکست و کلیه وسایل تولید، کارخانه ها، بانک ها، زمین های زمینداران میلیاردی را به اموال عمومی جامعه تبدیل کرد. سرمایه داران با استثمار کارگران اینها را صاحب شده اند با چاپیدن و دزدیدن، سرمایه های کلان اندوخته اند. اینها مال مردم است باید از دست اینها درآورد و اشتراکی کرد. به اموال عمومی جامعه تبدیل کرد. فقط به این شکل میتوان به استثمار اکثریت مردم زحمتکش توسط یک اقلیت پایان داد. تمام اموالی که توسط مراجع مذهبی و امامزاده ها و مساجد و غیره دزدیده شده تماما باید به

خزانه مملکت برگردد و صرف خوشبختی مردم شود. صرف بیمارستان و مدرسه و امکانات رفاهی و سایر نیازهای جامعه شود. اینطور میتوان به استعمار پایان داد و نابرابری ها را پایان داد. دیگر نباید چیزی به اسم سرمایه دار و کارگر وجود داشته باشد. همه جامعه باید بتواند کار کند و از نعمات جامعه بطور مساوی بهره مند شود. این جامعه امکان تامین همه جانبه غذا و پوشاک و مسکن را دارد که به عالیترین وجهی اینها را تولید کند. به شرطی که نظام ضد انسانی فعلی با یک نظام انسانی عوض شود که لازم نباشد میلیون ها نفر بیکار باشند، لازم نباشد عده ای پنجاه ساعت در هفته کار کنند و هشتشان گروه نه شان باشد و عده ای بیکاره مفتخوری کنند. در چنین جامعه ای رابطه مردم با هم عوض میشود. ناعدوستی و انساندوستی جای رقابت و خشونت و خصومت را میگیرد و آنوقت واقعا بشر هم از کار و تولید و هم از زندگی لذت میبرد.

کار ما به عنوان حزب کمونیست کارگری این است که به مردم بگوییم نمیشود و نمیتوانیم و عملی نیست را به

همان مفتخوران واگذار کنیم، به آیت الله ها و سرمایه داران واگذار کنیم. اگر یک مشت آخوند و یک مشت مفت خور و یک مشت کت و کراواتی مفت خور تر از آنها می توانند جامعه را سازمان بدهند و اداره کنند چرا مردم شریف و زحمتکش نمیتوانند، چرا کارگران نمیتوانند محل تولید را اداره کنند، چرا معلم و دانشجو و پزشک و پرستار نمیتوانند محل کار خودشان را اداره کنند؟ ..مهم این است که تبلیغات طبقه مفتخور حاکم و حکومتش را خنثی کنیم، در میان همکاران مان و دوستانمان وسیعا تبلیغ کنیم و این را جا بیندازیم که ایجاد یک جامعه انسانی عملی است. باید اعتماد به نفسمان را بالا ببریم، همبستگی مان را بیشتر کنیم و خودمان را سازمان بدهیم. یک بار آدم به دنیا میاید و حق دارد از یک زندگی انسانی برخوردار باشد. ماییم که کار میکنیم. بیست سال سی سال و بعضا چهل سال در کارخانه و مزرعه و دانشگاه و بیمارستان یا در ترانسپورت و غیره کار میکنیم و حق مان است یک زندگی انسانی داشته باشیم هم خودمان هم بچه ها و نوه هایمان.

در نتیجه ما که داریم انقلاب میکنیم و این همه قربانی می دهیم، زندانی می دهیم یکبار برای همیشه هم باید رها شویم. قرار نیست اینهمه مبارزه کنیم و بعدش یک جامعه سرمایه داری دیگر سر کار بیاید و باز همین بدبختی ها و محرومیت ها و سرکوب ها در کار باشد و همین نابسامانی ما بر زندگی مان حاکم باشد. این حزب این حرف ها است و همینطور که گفتم این حرف ها بیشتر از هر حرف دیگری به زندگی روزمره مردم مربوط است و مردم با گوشت و پوست در زندگی شان، در کارشان و موقع خریدشان درک میکنند. بنابراین تقاضایم این است که این عقاید را همه جا رواج بدهید. این حرفها همبستگی میان مردم ایجاد میکند. متحد شوید، متشکل بشوید، عضو حزبتان بشوید، همکاری کنید، این حزب را تبلیغ کنید و به درجه ای که این حزب قدرت اجتماعی بیشتری پیدا کند مردم با اتحاد بیشتر و با اعتماد بنفس بیشتری برای آینده مبارزه میکنند.

امیدوارم در برنامه های دیگر هم برنامه حزب و هم
جنبه هایی دیگر از فعالیت حزب و تاریخ حزب را بیشتر
باز کنم.

وب سایت:
www.wpiran.org

تقاضای عضویت و همکاری، ارسال پیام و
گزارش از طریق:

پیامگیر تلگرام: [@wpi_tamas](https://t.me/wpi_tamas)

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

سیگنال، واتساپ و تلگرام

اینستاگرام